مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۹،
دوره اول،
سال پنجم،
زمستان ۱۳۹۹،
صص ۶۴-۸۰

حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز در حقوق کیفری ایران و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

دکتر سید عباس جزایری[۱]، حسین طاهری اردلی[۲]

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز در حقوق کیفری ایران و تبیین دیدگاه اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در این خصوص است. از جمله اقدامات غیرانسانی که جهت اخذ اقرار یا اطلاعات از سوی متهم در مراحل مختلف دادرسی انجام می‌پذیرد، اذیت و آزار روحی و جسمی وی می‌باشد که در حقوق کیفری تحت عنوان شکنجه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این رفتار در حقوق کیفری ایران، اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری، به شدت منع شده است. قانونگذار در اصل ۳۸ قانون اساسی ایران شکنجه را در ابعاد روحی و جسمی آن ممنوع کرده است. در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز اعمال شکنجه در اخذ اقرار و اطلاع ممنوع اعلام شده است. این جرم انگاری، متضمن حق حقوق بشری با عنوان حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز می‌باشد. یافت ههای تحقیق نشان از آن دارد که، حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز، در حقوق کیفری ایران و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، به رسمیت شناخته شده است و تضمیناتی در راستای اجرای این حق اتخاذ شده است.

کلمات کلیدی: مصونیت، شکنجه، حقوق کیفری ایران، اسناد، کنوانسیون بین‌المللی.

[۱] استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

[۲] دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

امروزه مباحث حقوق بشری از مهم‌ترین و دغدغه برانگیزترین مسائل موجود در جهان به شمار می‌روند، مباحثی که در رأس آن‌ها احترام به انسان‌ها جای دارد. در نقطه مقابل آن شکنجه[1] و اعمال آزار و اذیت بر بشر، از شوم‌ترین پدید ه‌های تاریخ جوامع بشری است که همواره توسط دولت‌ها بر مردمان زیردست اعمال می‌شده است(صادقی،۱۳۸۰: ۱۲۰). اصل ممنوعیت شکنجه[2] به عنوان یکی از مهم‌ترین هنجارهای به رسمیت شناخته شده در ایران و جامعه بین‌المللی می‌باشد که با شکل‌گیری نظام مدرن حقوق بشری در اسناد تدوین شده، مورد تأیید قرار گرفته است.

گرایش به تعذیب و شکنجه که ناشی از تأکید بر سرعت عمل، ضعف، ناتوانی و بی‌حوصلگی است تحقق عدالت جزایی را به شدت تهدید می‌کند. چه بسا که غیر بزهکارانی به منظور رهایی از فشار و ایذاء غیرقابل تحملی که بر آن‌ها وارد می‌شود به جرم ناکرده اعتراف می‌کنند. از این رو توسل به ابزارهای رنج آور علیه متهمین در فرآیند رسیدگی‌های رسمی موجب پیش بینی واکنش‌های جزایی در قوانین ملی و فراملی شده است. در نظام‌های بین‌المللی به خصوص در حقوق بشر[3]، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی با هدف ریشه کن کردن جرائم ضدبشری تدوین شده است. پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل وبشر در این زمینه جایگاهی خاص به منع شکنجه بخشیده است و امروزه رهایی از شکنجه از زمره حقوق بنیادین بشر به حساب می‌آید. در حقوق ایران که برگرفته از قوانین اسلام است، شکنجه در بهترین وجه ممکن منع شده است تا جایی که قانونگذار ایران در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکنجه را در ابعاد روحی و جسمی آن منع کرده است(رنجبریان،۱۳۸٤، ۱٤۸-۱٤۹). این اصل بیان می‌کند: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». با توجه به شرافت منزلت انسانی در معرفت دینی، شارع تحمیل هرگونه ایذاء و رنج بر دیگری را مؤکداً ممنوع ساخته و ارتکاب هر رفتار موهنی که مغایر با شأن و منزلت انسان باشد مورد نهی قرار داده است. مکتب اسلام شدت زشتی این نحو از رفتار را با رنج و ایذاء خداوند هم ردیف قلمداد کرده است. بنابراین اطلاق و عموم ادله حاکی از حرمت ایذاء غیر بدون کمترین تردید، دلالت بر حرمت و ممنوعیت شکنجه خواهد داشت. زیرا شکنجه از برجسته‌ترین مصادیق ایذاء غیر است(مرشدی،۱۳۹۷: ۹). از اینرو مأمورین تحقیق در مقام بازجویی از بزهکار، حق اعمال فشار و ایذای متهم را نخواهند داشت، زیرا هیچ یک از منابع شرعی بر جواز این نحو از بازجویی حکایت نکرده است. نزدیکی و قرابت آدمی به خداوند عزوجل و اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان،

[1]-Torture
[2]- The principle of the prohibition of torture
[3]- human rights

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به حقوق بشر در نظام اساسی موقعیت برجسته و ممتازی بخشیده است. از سوی دیگر پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مرحله دادرسی[1]، مرحله کشف جرم است که این خود نوعی کشف حقیقت است. هرگونه اعمال فشار در این مرحله بر متهمین یا کسانی که اظهارات آن‌ها در طول دادرسی می‌تواند اثرگذار باشد، ممکن است روند بررسی حقیقت را از مسیر خود خارج کند؛ به همین دلیل انسان‌های عدالت خواه[2] در طول تاریخ به فکر تدوین قواعدی دقیق در راستای پیشگیری از اعمال هرگونه شکنجه در راه کشف حقیقت افتادند. اما حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز و ممنوعیت آن در همه جوامع از بحث‌های جنجالی و بسیار مهم حقوقی به شمار می‌آید. مسئله اصلی که این تحقیق درصدد پاسخ به آن است اینکه، حق مصونیت از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز در حقوق کیفری ایران و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی از چه جایگاهی برخوردار است؟

مفهوم شکنجه

شکنجه در اصطلاح لغوی رنج، آزار، عذاب و اذیت تعبیر می‌گردد(عمید،۱۳۶۳: ۸۵۲). در لغتنامه دهخدا به عناوین همچون شکستن، پیچیدن، عذاب دادن دزد و گناهکار اشاره شده است. همچنین در مواردی به صورت مشابه به معنای رنج، عذاب، عقوبت، آزار و ایذا نمایان گشته است(دهخدا،۱۳۷۷، ج ۹: ٦۳۸). در ترمینولوژی حقوق شکنجه به ایراد آزار به متهم و غیر متهم تعریف شده تا اقرار به بزه یا تعهدی نماید(جعفری لنگرودی،۱۳۹٤: ۲۳۰۱). برخی نیز نیز هرنوع اقدام غیرقانونی که شخص را از نظر جسمی و روحی در فشار قرار دهد تا مطالبی بر خلاف میل و اراده باطنی بیان کند شکنجه نامیده‌اند(اردبیلی،۱۳۹٦، ج ۱: ۱۳۱). برخی فقهای اسلامی شکنجه را اخص از هر نوع رنج و عذاب دانسته و فرق بین شکنجه و اذیت و آزار را در استمرار توصیف نموده‌اند(ابراهیمی،۱۳۸۹: ۲۰). واژه شکنجه اغلب در توصیف رفتاری غیرانسانی به کار می‌رود که هدفمند است، مانند کسب اطلاع یا اخذ اقرار[3] یا تحمیل مجازات و عموماً شکل تشدید یافته رفتار غیرانسانی است. رفتار یا مجازاتی را نسبت به یک انسان می‌توان موهن[4] نامید که او را به شکلی زننده در برابر دیگران تحقیر کند یا برخلاف میل و وجدانش به واکنش سوق دهد(اردبیلی،۱۳۸۸: ۲۷۹).قوانین داخلی اعم از قانون اساسی و قوانین عادی علیرغم بیان ممنوعیت شکنجه، به تعریف آن نپرداخته‌اند. بنابراین بایستی با توجه به معنای لغوی و مفهوم عرفی و مصادیق آن، این اصطلاح تبیین گردد. اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن از قدیمی‌ترین مصادیق شکنجه است، لیکن امروزه در بسیاری موارد شکنجه با شیوه‌های جدید اعمال می‌گردد مثلاً اقداماتی که عرفاً فشار روانی

1- Trial
2- Justice Seeker
3- Confession
4- disdainful

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تلقی می‌گردد و سبب آسیبهای روحی فرد شود ممکن است از مصادیق شکنجه تلقی گردد و یا به کار بردن کلمات رکیک، توهین و تحقیر متهم حین بازجویی و غیر آن، گرسنگی و یا تشنگی دادن به زندانی، جلوگیری از هواخوری روزانه، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده و بستگان نزدیک یا دوستان او و در پاره‌ای موارد ممانعت از انجام فرایض دینی، بیخوابی دادن به زندانی یا متهم می‌تواند عنوان شکنجه داشته باشد(ملکی، ۱۳۹۵: ۹٤). بنابراین با توجه به وضعیت و شرایط فرد ممکن است هر یک از اقدامات یاد شده شکنجه محسوب گردد. پس اعمال شرایط نامتعارف بر فرد به نحوی که سبب آزار و اذیت جسمی یا روحی و روانی او گردد با هدف اقرار و غیر آن به نحوی که عادتاً قابل تحمل نبوده، و یا تحمل آن برای فرد متعسر یا متعذر باشد شکنجه محسوب می‌گردد. عدم تعریف اصطلاحی شکنجه در متون قانونی، ممکن است هدفمند باشد چرا که معمولاً تعاریف، مفاهیمی کلی و نسبی هستند در حالی که مصادیق را در اجرا با توجه هدف و ماهیت رفتار بایستی کشف و استنباط گردد. در بسیاری از اسناد جهانی ممنوعیت شکنجه بیان شده است لیکن در برخی از آنان به تعریف شکنجه پرداخته شده است.

ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه[1] و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده، شکنجه را ایراد عمدی هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص برای رسیدن به اهدافی از قبیل کسب اطلاعات یا اقرار از قربانی یا شخص ثالث، تنبیه قربانی برای عملی که وی یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، مرعوب نمودن یا اعمال فشار بر قربانی یا شخص ثالث یا به هر علتی که بر مبنای هرگونه تبعیض باشد، هنگامی که چنین درد یا صدمه‌ای به‌وسیلهٔ یک مأمور رسمی یا تحت نظارت او یا با نظارت یا سکوت وی در صلاحیت رسمی او صورت پذیرد بر شخص تحمیل گردد تعریف نموده است(ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۳).

یکی از نکات قابل توجه در تعریف مذکور جامعیت تعریف است به ویژه اینکه آسیب و صدمات روحی که در نتیجه ایراد عمدی بر شخص قربانی به وجود می‌آید از مصادیق شکنجه تلقی نموده است. این در حالی است که در بسیاری از قوانین داخلی کشورها، کمتر به این بعد از موضوع توجه شده است و روشن است که لطمات روحی و معنوی گاه تأثیری عمیقتر از آسیبهای جسمی، بدنی و مادی در پی دارند و حتی ممکن است آثار آنان جبران ناپذیر باشند و تأثیر جانگاه آن بر فرد برای همیشه باقی بماند.

نکته دیگر اینکه ظاهراً شکنجه با هر هدفی ممنوع است و موارد یاد شده در متن این ماده که مقرر می‌دارد «.... برای رسیدن به اهدافی از قبیل کسب اطلاعات یا اقرار از قربانی یا شخص ثالث....» جنبهٔ حصری ندارند لیکن با توجه به اینکه

[1]- Convention against Torture

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معمولاً شکنجه با این اهداف به عمل می‌آید به آنها تصریح شده است. لذا جایی که مأمور با هر هدفی قربانی را مورد اذیت جسمی و روحی قرار دهد شکنجه تحقق یافته و آثار حقوقی آن مترتب می‌گردد. همچنین موضوع دیگر قابل توجه در ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه این است که حتی ایراد عمدی هرگونه درد و رنج شدید بدنی یا روحی به منظور کسب اطلاعات، اقرار یا مجازات قربانی برای عملی که وی مرتکب شده است ممنوع است به عبارتی حتی اگر فرض شود که شخص مرتکب جرم شده است باز تعذیب وی شکنجه و ممنوع است. در برخی موارد ترک فعل می‌تواند موجب آزار و اذیت جسمی و یا روحی متهم و غیر آن گردد مثلاً مأمور صلاحیت دارد که شخص را تحت بازجویی دارد برای مدت طولانی از دادن غذا به او خودداری کند تا بدینوسیله وی را وادار به اقرار نماید و یا از رفتن او به سرویس بهداشتی برای مدت طولانی ممانعت کند، لیکن صدر ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸٤ از تعبیر ایراد عمدی استفاده نموده است و عبارت مذکور ممکن است موجب تفسیر به فعل و عمل مادی گردد و ترک فعل را از شمول تعریف خارج نماید. لذا مناسب است که شکنجه به هرگونه فعل یا ترک فعل منجر به درد و یا رنج شدید بدنی یا روحی تعریف شود(اردبیلی،۱۳۸۸: ۱۲). لازم به ذکر است که شخص باید شکنجه را به مناسبت شغل دولتی یا منصب رسمی مرتکب شده باشد. بنابراین اگر کارمند دولت و یا هر صاحب منصب رسمی به مناسبت روابط شخصی و یا منافع خصوصی و نه به مناسبت شغل دولتی و در مقام اجرای وظیفه رسمی، دیگری را تحت شکنجه قرار دهند حتی اگر به قصد اعتراف و یا کسب خبر بوده باشد، فعل او از شمول مقررات کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸٤ خارج است.

انواع شکنجه

۱-شکنجه جسمی[1]

منظور از شکنجه جسمی همانطور که از عنوانش میسر است؛ عبارت است از هر عملی که به جسم و بدن فرد آسیب برساند. این نوع شکنجه مفهوم بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد که بعضاً از جوامع سنتی گذشته و محدود مانند قبیله آغاز شده و به مراتب در جوامع امروزی هم به نحوی وجود دارد مانند نگه داشتن فرد در حالت گرسنگی و تشنگی تا محروم نمودن وی از بهداشت، درمان، تزریق مواد افیونی، بی‌خوابی و سایر مواردی که مستقیم به جسم شخص در ارتباط باشد.

۲-شکنجه روانی(روحی)[2]

[1]- Physical torture
[2]- Psychological torture

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شکنجه روانی که اصطلاحاً شکنجه روحی نیز نامیده می‌شود برخلاف شکنجه جسمی به تمامیت جسمی انسان آسیبی نمی‌رساند؛ بلکه در مواردی که شکنجه جسمی به نتیجه نرسیده یا به نحوی اعمال آن به صالح نباشد، به کار می‌رود. در این نوع شکجه، اهداف مورد نظر از طریق آسیب رسانی به تمامیت روحی و روانی فرد، تحقق می‌یابد و فرد را مجبور می‌کند که موارد مورد نظر طرف مقابل را مهیا نماید. فشار روانی ممکن است مستقیماً خود فرد را تحت شعاع قرار داده و یا به صورت غیرمستقیم، بستگان نزدیک مانند والدین، خواهر و برادر، همسر و فرزندان شخص را به رفتاری که سبب اقرار مشخص مورد شکنجه شود را تحت فشار قرار دهند مانند اینکه شخص را تهدید به دستگیری و یا محرومیت خاص یا بردن آبرو و حیثیت یکی از والدین، همسر و بستگان نزدیک بنمایند و بدین سبب روان شخص را به صورت غیرمستقیم تحت فشار قرار داده و به اهداف خود برسند(حیدری پوری و همکاران،۱۳۹۹: ۱٦۰).

مبانی حق مصونیت از شکنجه

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی مهمترین مقرره قانونی در ارتباط با ممنوعیت شکنجه در حقوق داخلی ایران است. این اصل نسبت به موضوع ممنوعیت اعمال شکنجه موضع قاطع و بدون قید و شرطی دارد(هاشمی،۱۳۹٤: ۳۱٦). هرچند اصل ۳۸ قانون اساسی، صراحت در ممنوعیت شکنجه و عدم اعتبار اقرار، اطلاع، شهادت[1] و سوگند[2] ناشی از آن دارد(وکیل و عسکری،۱۳۸۳: ۹۸). با این حال اصول دیگر قانون اساسی، از جمله اصول ۲۲-۲۳-۳۲-۳٦-۳۷ و ۳۹ نیز به طور ضمنی مسئله حق مصونیت و ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده‌اند. این اصل بر مبنای داشت ه‌های فقهی و بر اساس نظریه عدم جواز شکنجه به تصویب رسیده است. مطابق با اصل ٤ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه قوانین و مقررات، اعم از مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. بر این اساس در مسئله مورد بحث، یعنی ممنوعیت یا عدم ممنوعیت شکنجه، نیز باید تصمیمی اتخاذ می‌شد که مطابق با موازین اسلامی باشد. در هنگام تصویب این اصل ضمن مذاکرات موافقین و مخالفین راجع به چگونگی تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی، مباحث زیادی بر سر ممنوعیت مطلق یا قائل شدن استثنا برای آن صورت پذیرفت که نتیجه آن تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی بود(مهاجری،۱۳۸۹: ۳۱٦).

علاوه بر مبانی فقهی داشت ه‌های جهانی در ممنوعیت مطلق شکنجه نیز مبنایی برای تصویب این اصل بوده است. شکنجه به واسطه ویژگی‌های خاصی که دارد در قراردادهای بین‌المللی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. عمده‌ترین علت این توجه اهمیت اعمال منتج به شکنجه و آسیب و خساراتی است که پیرو ارتکاب آن بر کرامت انسانی وارد می‌گردد. نقش

[1]- testimony
[2]- Oath

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

عمده‌ای که دولتها در پیشگیری یا افزایش این جرم نسبت به تابعان خود دارند باعث شده که این جرم بیش از پیش مورد نظر مجامع حقوق بشری قرار گیرد و در مورد آن قواعد خاصی تعیین گردد. بنابراین مبانی تصویب ۳۸ قانون اساسی از یک سو قواعد بین‌الملل و از سوی دیگر تعالیم مکتب اسلام مبنی بر تحریم شکنجه می‌باشد.

حق مصونیت از شکنجه در حقوق کیفری ایران

۱-حق مصونیت از شکنجه در قانون اساسی

علیرغم اینکه در قوانین عادی قبل از انقلاب، ممنوعیت شکنجه پیش بینی شده و قانونگذار عاملان این رفتار غیرانسانی را مستوجب مجازات می‌دانست، لیکن در قانون اساسی وقت، ممنوعیت شکنجه به عنوان یک حق اساسی و بنیادی پیش بینی نشده است. بعد از پیروزی انقلاب و در سال ۱۳۵۸ که خبرگان قانون اساسی برای تصویب آن تشکیل می‌گردد، اصول قانون اساسی را مورد بحث و تصویب قرار دادند. در سی‌امین جلسه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی در روز سوم مهرماه ۱۳۵۸ اصل۴۲ که به شکنجه اختصاص دارد مورد بحث قرار گرفته است(ملکی،۱۳۹۵: ۱۰۷).

اصل ٤٢(اولیه) که جهت بررسی و تصویب قرائت می‌شود بیان می‌دارد:«شکنجه به هر نحو برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

در مذاکرات برخی از نمایندگان پیشنهاد می‌دهند که کلمهٔ مطلقاً اضافه گردد و برخی دیگر عبارت «به هر نحو» را پیشنهاد می‌نمایند و استدلال آنها این است که مطلقاً به منظور تأکید بر نقش شکنجه و به هر نحو تأکید بر نوع شکنجه است. برخی نیز اظهارنظر کرده که گرچه شکنجه امر غیراسلامی و غیرانسانی است و رأی به این هم می‌دهیم اما گاه مسائلی مهم است که می‌توان با چند سیلی کشف شود لیکن بیشتر اعضا استدلال می‌نمایید که کسب اطلاع را ههایی دارد که بدون آن هم می‌توان آن اطلاعات را به دست آورد و ضرر شکنجه بیشتر از منفعت آن است(صورت مشروح مذکران مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران- جلسه اول تا سی و یکم). از مشروح مذاکرات ملاحظه می‌شود که نظر غالب این بوده که باب شکنجه مطلقاً ممنوع و مسدود شود و این نگرانی کاملاً وجود داشته است که مجاز شمردن شکنجه حتی در موردی که مصلحت خاصی اقتضاء کند مفاسد گسترده‌ای در پی دارد. راجع به انواع شکنجه اعم از شکنجه جسمی و شکنجه روحی نیز بحث و گفتگو می‌گردد و پیشنهاد هرگونه شکنجه به منظور ممنوعیت شکنجه روحی و معنوی نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد پس از ختم مذاکرات که تقریباً نسبت به برخی اصول دیگر جامع ومفصل هم بوده با تغییراتی اصل ٤٢ بدین مضمون پیشنهاد و تصویب می‌گردد:«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». عبارت هرگونه شکنجه جایگزین شکنجه به هر نحو می‌شود و استدلال اعضاء مجلس قانون اساسی این است که عبارت هرگونه هم افاده مطلق نموده فلذا شکنجه مطلقاً ممنوع است. و هم اینکه معنای انواع شکنجه را می‌رساند که شامل شکنجه مادی و شکنجه روحی و روانی می‌شود. لذا با ملاحظه مشروح مذاکرات می‌توان به خوبی دریافت همهٔ اقسام و انواع شکنجه خواه از حیث روش و خواه از حیث هدف منع شده است. اصل ٤٢ قانون اساسی ۱۳۵۸ عیناً در اصل ۳۸ قانون اساسی فعلی آمده است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی مهمترین مقرره قانونی در ارتباط با ممنوعیت شکنجه در حقوق داخلی ایران است. این اصل نسبت به موضوع ممنوعیت اعمال شکنجه موضع قاطع و بدون قید و شرطی دارد(هاشمی،١٣٩٤: ٣١٦).

۲-قانون مجازات اسلامی

اولین قانون عادی مبنی بر ممنوعیت شکنجه در حقوق موضوعه ایران ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰٤ است. به موجب این ماده در صورتی که هر یک از مستخدمین قضایی دولت به منظور اخذ اقرار متهمی را مجبور می‌نمود و او را مورد اذیت و آزار بدنی قرار می‌داد به حبس با اعمال شاقه از سه الی شش سال محکوم می‌گردید و اگر شخص در نتیجه شکنجه فوت می‌شد مرتکب به مجازات قاتل و آمر به مجازات آمر قتل محکوم می‌شد. وضع چنین حکمی در سال ۱۳۰٤ نشان از توجه قانونگذار به قبح شکنجه و اهمیت جلوگیری از آن در نظام تقنینی و قضایی کشور بوده است. نوع و میزان مجازاتی را که قانونگذار در آن زمان در نظر گرفته نیز مؤید این مطلب است و در عین حال با توجه به اینکه معمولاً مأمورین قضایی خود فعل شکنجه را انجام نمی‌دهند قانونگذار توجه داشته است و تحت عنوان آمر جایی که شخصاً مباشر شکنجه نبوده وی را قابل تعقیب جزائی دانسته است. در هر حال قانونگذاری ایران در خصوص ممنوعیت شکنجه و پیش بینی ابعاد آن قبل از کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مباحث حقوق بشری حائز اهمیت بوده و ارزشمند است. بعد از پیروزی انقلاب، ابتدا در اصل ٤٢ قانون اساسی(سال ۱۳۵۸) و سپس اصل ۳۸(جایگزین اصل ٤٢)که شرح آن در گذشت ممنوعیت شکنجه به عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شد. سپس قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ به موجب ماده ۵۷۸ هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولت برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد مستحق حبس از شش ماه تا سه سال مجازات نموده است. در تحلیل این حکم چند نکته قابل توجه است؛ اولاً شمول این حکم نسبت به ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰٤ گسترده‌تر است. زیرا در این حکم مأمورین قضایی و غیرقضایی را مشمول حکم نموده است در حالی که قانون سال ۱۳۰٤ تنها مأمورین قضایی مشمول قاعده منع شکنجه بودهاند. ثانیاً تفاوت دوم در این است که شخص به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

موجب قانون ۱۳۷۵ علاوه بر حبس به مجازات قصاص و با پرداخت دیه نیز محکوم می‌گردد که این بخش از حکم با موازین فقهی نیز منطبق است. ثالثاً در اجتماع بین آمر و مأمور در قانون سابق هر دوی آنها را قابل مجازات می‌داند لیکن در مقرره ۹۷۵ قانون مجازات اسلامی فعلی صرفاً آمر را مستحق مجازات می‌داند و این بخش از حکم با اصول حقوق جزای عمومی سازگاری ندارد، زیرا به موجب ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود، آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند. لیکن از حیث انطباق ماده ۵۷۸ با اصل ۳۸ قانون اساسی و کنوانسیونهای بین‌المللی، این حکم ناقص و متضمن اشکالاتی به شرح ذیل است؛ اولاً در قانون اساسی هرگونه شکنجه را ممنوع می‌داند این در حالی است که قانون مجازات اسلامی شکنجه به منظور اخذ اقرار را ممنوع اعلام داشته است لذا شکنجه به منظور سوگند یا شهادت مشمول این حکم نیست. ثانیاً در قانون اساسی با توجه به مبنای آن و مباحثی که حین مذاکره صورت گرفته ملاحظه شد که شکنجه روحی نیز ممنوع است در حالی که در قانون مجازات اسلامی صرفاً شکنجه مادی را منع نموده است ضمن اینکه شکنجه توسط افرا غیرمأمور رسمی و صاحب منصبان در ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی پیش بینی نشده است. برخی حقوقدانان نیز با توجه به مفاد ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی شکنجه روحی و شکنجه غیرمتهم مثل شاهد را مشمول این ماده نمی‌دانند(گلدوزیان،۱۳۹۸: ۳۰۱). لذا ماده ۵۷۵ ضمانت اجرای بخشی از اصل ۳۸ قانون اساسی است و صرفاً اخذ اقرار با اذیت و آزار بدنی از متهم را جرم دانسته است(شکری،۱۳۹۰: ۵۸۷).

نکته دیگر اینکه قانونگذار در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی در تحقق جرم شکنجه، یکی از ضابط ه‌های تحقیق جرم شکنجه را انگیزه مرتکب در نظر گرفته است و بایستی توجه داشت که بین عمد که به عنوان عنصر معنوی جرم تعبیر می‌شود و انگیزه تفاوت وجود دارد و عمد، قصد بالفصل مجرم در ارتکاب جرم است، این در حالی است که انگیزه هدف غایی و منظور نسبتاً بعید فاعل جرم است به علاوه عمد همواره در حقوق کیفری یکسان و امر نوعی است در حالی که انگیزه، منفعتی است که فاعل برای رسیدن به آن نفع مرتکب جرم می‌شود که ممکن است در ارتکاب یک جرم خاص برای مجرمین مختلف، متفاوت باشد(اردبیلی، ۱۳۹٦: ۲٤۰). اصولاً انگیزه جزء ارکان قانونی جرم و خصوصاً جزئی از رکن معنوی نیست.

۳-قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری که شیوه دادرسی و نحوه رسیدگی به جرائم را تبیین می‌کند بایستی متضمن اصول دادرسی عادلانه باشد. یکی از موضوعاتی که در جریان تعقیب و محاکمه متهم بایستی رعایت کند قاعده منع شکنجه و اعمال اصل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بنیادی حق شکنجه نشدن است. در این راستا مقررات این قانون در مراحل تعقیب تأکید دارد. بازجویی متهم بایستی بدون هیچگونه اکراه و اجبار صورت گیرد و استفاده از کلمات موهن و طرح سؤالات تلقینی و اغفال کننده از متهم ممنوع است(ماده ٦٠ قانون آیین دادرسی کیفری). بنابراین قانونگذار در ماده مذکور به دو نوع از شکنجه توجه داشته است نوع اول اجبار و اکراه متهم که از طریق فشار مادی و شکنجه بدنی معمولاً واقع می‌گردد و دیگری بعد روانی و روحی شکنجه است که در این زمینه نیز قانونگذار تصریح نموده استفاده از کلمات موهن حین بازجوئی ممنوع است. از حیث ضمانت اجرا نیز هرگونه اظهاری از سوی متهم در جریان رسیدگی که در نتیجه اکراه و اجبار یا استفاده از کلمات موهن حاصل شده باشد غیرمعتبر می‌داند. لذا قانون یاد شده در این دو بخش که متذکر شده است منطبق با قانون اساسی و اصل ۳۸ می‌باشد. لازم به ذکراست که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ٦٣ که ضمانت اجرای نقض مقررات تحقیقات مقدماتی را در نظر گرفته است به عدم رعایت مفاد ماده ٦٠ تصریح ندارد و بنابراین به نظر می‌رسد در این خصوص ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی حاکم است.

حق مصونیت از شکنجه در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

یکی از مهمترین حقوق پذیرفته شده در اسناد بین‌المللی که توسط ملل مختلف نیز مورد قبول نیز واقع شده است ممنوعیت شکنجه است به نحوی که صاحبنظران آن را به عنوان یک دستاورد مهم در حوزه حقوق بین‌الملل معرفی می‌نمایند در این زمینه اسناد و کنوانسیون‌های مختلفی وجود دارد که به بحث پیرامون بخشی از مهمترین آنان پرداخته می‌شود.

۱-کنوانسیون ژنو درباره جنگ و اسرای جنگی و سایر کنوانسیونهای مرتبط

طبق ماده ۳ کنوانسیون ژنو دربارهٔ جنگ و اسرای جنگی، کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند و یا نیروهای مسلحی که قبلاً در جنگ فعال بوده‌اند، اما اسلحه را به هر علت بر زمین گذاشته باشند و یا کسانی که به علت بیماری و یا زخم و یا بازداشت و یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچ گونه تبعیض ناشی از نژاد، رنگ، مذهب، عقیده، جنس، اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن، با اصول انسانی رفتار شود. لطمه به حیات و تمامیت بدنی، قتل به هر نحو و شکلی، زخم زدن(ایراد جرح یا ضرب) رفتار بیرحمانه، شکنجه و آزار آنان ممنوع است. بر این اساس رفتارهای بیرحمانه و شکنجه و آزار نسبت به کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت نداشته مطلقاً ممنوع است و در مورد نیروهای مسلح و اشخاصی که درگیر جنگ هستند، در صورتی که در موقعیت مبارزه و جنگ نبوده بلکه به هر دلیل از جمله بیماری، مجروح شدن، بازداشت و ... قادر به جنگ نباشند نسبت به آنان نیز اعمال شکنجه و ایراد ضرب و جرح ممنوع می‌باشد. اعضای نیروهای نظامی بیمار و یا زخمی که دیگر نمی‌توانند در عملیات نظامی شرکت کنند. در صورتی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که توسط دشمن دستگیر شوند افراد غیر رزمنده محسوب می‌شوند و مشمول حمایت‌های کنوانسیون‌های اول و دوم ژنو هستند. این افراد به عنوان اشخاص مورد حمایت باید در همه احوال مورد حمایت و احترام قرار بگیرند(ماده ۱۲ مشترک کنوانسیونهای اول و دوم ژنو) و قتل عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت با آنها تخلف فاحش از کنوانسیونهای ژنو و در نتیجه جرائم جنگی محسوب می‌گردد(مواد ۵۰ کنوانسیون اول و ۵۱ کنوانسیون دوم»(حبیب زاده،۱۳۸٦: ۷٤). پروتکل اول در ماده ۵۱ با عنوان حمایت از سکنه غیرنظامی به طور کلی تعهد متخاصمان به حمایت از سکنه و افراد غیرنظامی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی را یادآور می‌گردد و در بند ۲ همین ماده اعمال خشونت به منظور ایجاد ترس و وحشت در بین ساکنان غیرنظامی را ممنوع اعلام می‌نماید. در سکنه غیرنظامی فی نفسه و نیز افراد غیرنظامی نباید آماج حمله قرار گیرند. اعمال تهدیدهای خشونت آمیز.... ممنوع است. بر اساس ماده ۱٤۷ کنوانسیون چهارم ژنو، اعمال تروریستی به صورت آدمکشی عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت ... ایراد دردهای شدید به طور عمدی یا لطمه به تمامیت جسمی یا سلامتی اشخاص غیرنظامی تخلفات فاحش محسوب می‌شود و نقض فاحش کنوانسیونهای ژنو به هنگام مخاصمات مسلحانه یا در دوران اشغال نظامی، جرائم جنگی تلقی می‌شوند(حبیب زاده،۱۳۸٦: ۷۹).

کلیه این ممنوعیت‌ها ضمن اینکه در کنوانسیون ژنو و سایر کنوانسیونهای مرتبط پیش بینی شده‌اند مورد قبول دول متمدن، نیز قرار گرفته‌اند. ملاحظه می‌شود وقتی حین جنگ و درگیری مسلحانه، چنین رفتارهایی علیرغم اینکه کشور در یک وضعیت بحرانی مواجه است ممنوع و مسوولیتهای حقوقی بین‌المللی به دنبال دارد به قیاس اولویت در زمان عادی و معمول افراد بایستی از شکنجه مصون باشند. بنابراین در اسناد بین‌المللی برخی از حقوق بشر لااقل در کیفیت و نحوهٔ اجرای آن از دیگر حقوق ممتازتر بوده و بیشتر حائز اهمیت هستند و این دسته از حقوق به جهت عجین بودن آن با ذات بشر و جدایی ناپذیر بودن آن از نوع انسان شناخته شده‌اند. این دسته از حقوق، غیرقابل تخلف و تعلیق ناپذیرند و در اصطلاح حقوق بنیادین نامیده می‌شوند که حق شکنجه نشدن از اصلیترین و مهمترین این حقوق است. حتی در زمان جنگ و یا مبارزه با تروریسم این حقوق نیز بایستی مراعات شوند(رنجبریان،۱۳۸٤: ۱۵۱).

۲-اعلامیه جهانی حقوق بشر اعالمیه جهانی حقوق بشر

از اولین و مهمترین منشور بین‌المللی حقوق بشر است که ایران در سال ۱۹٤۸ به آن رأی موافق داده است. در این منشور بین‌المللی حقوق بنیادین و اساسی افراد انسانی و نوع بشر صرفنظر از جنسیت، نژاد، دین، مذهب، ... مورد تأکید قرار گرفته‌اند و مطابق قواعد و نظام حقوق بین‌المللی، کشورها مکلف به رعایت آن می‌باشند. مطابق ماده ۵ این اعلامیه احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این مقرره از دو بعد قابل توجه ست یکی ممنوعیت تحت شکنجه قرار دادن افراد با هر عنوان و با هر هدف و به هر نحوی است که مطلقاً امکانپذیر نیست و دیگر رفتارهای ظالمانه و برخلاف شئونات بشری و انسانی و به عبارتی رفتارهای تحقیرآمیز که بیشتر می‌تواند بعد شکنجه روحی را از آن استنباط نمود. در هر حال این سند به عنوان یک سند اولیه در راستای همگام سازی کشورهای جهان مبنی بر تبعیت از یک سند واحد، انواع شکنجه را ممنوع اعلام داشته است. به دلیل اهمیت حق شکنجه نشدن، اعلامی ههای جهانی بعداً از سطح توصیه و تحریم خارج و دولتها را به منع و جلوگیری از شکنجه موظف نموده است. پروتکل اختیاری سازمان ملل متحد، منعقدۀ دسامبر سال ۲۰۲۰ به گونه‌ای روشن از تحریم شکنجه فراتر رفته و به سوی منع شکنجه به پیش رفته است و صرفنظر از تصویب آن، به یکی از معاهدات اصلی توسط کلیه دولتها حساب شده و لازم الاجرا است.

۳-میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹٦٦

آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی مطابق میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹٦٦ ممنوع است. بنابراین حق شکنجه نشدن افراد به نحو مطلق مورد حمایت قرار گرفته است و تحت هیچ شرایطی حتی اوضاع و احوال خاص و کاملاً استثنایی هیچ گونه مجوزی برای شکنجه وجود ندارد. مؤید مطلق بودن حق شکنجه نشدن بند ۱ ماده ٤ میثاق است که مقرر می‌دارد:« هر گاه یک خطر عمومی استثنایی(فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید اتخاذ نمایند. لیکن بند ۱ ماده ٤ برخی موارد میثاق را از حکم بند ۱ مستثناء کرده و تصریح می‌کند که حقوق مذکور در این ماده به هیچ وجه در شرایط مخاطره آمیز یاد شده قابل تعلیق نیست. حق حیات، حق رهایی از شکنجه، حق برده نبودن، منع مجازات حبس برای عجز از پرداخت بدهی... از این دسته‌اند. شبیه این موضع در کلام فقها در مباحث پیشین ملاحظه گردید که حتی اگر امنیت نظام و حکومت اسلامی نیز در خطر باشد باز مجوز برای شکنجه به حساب نمی‌آید و بایستی مأمورین از طرق دیگر در حفظ حکومت و کشف واقع اقدام نمایند. کمیته حقوق بشر در مصوبه شماره ٢٤ ژوییه ۲۰۰۱ نیز ضمن تحکیم بخشیدن به حق رهایی از شکنجه آنرا از جمله حقوق تعلیق ناپذیر بیان می‌کند. بدین ترتیب کمیته حقوق بشر، حق متهمان و محکومان به برخورداری از رفتار انسانی را حقی مطلق و ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان تلقی نموده و حتی در مواقع اضطراری اعلام می‌دارد که هیچ خدشه‌ای نباید به آن وارد گردد(رنجبریان،۱۳۸٤: ۱٥٤).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

لذا دولتها همواره در قبال اشخاص دارای یک تعهد مطلق، لازم التباع و استثناءناپذیر هستند و این تعهد با هیچ شرایط و اوضاع و احوال خاصی تغییرپذیر نبوده و معلق بر هیچ امری نمی‌باشد. رویکرد اسناد بین‌المللی نیز بدین سمت است که کلیه اعمال شکنجه آمیز به عنوان جنایت رسمیت یابد و امروزه اساساً شکنجه برای جامعه جهانی غیرقابل توجیه است و هیچ دفاعی از دولتها مبنی بر توجیه شکنجه پذیرفته نمی‌شود. دولت‌ها نه تنها نبایستی توجیه کننده شکنجه باشند بلکه کسانی که مرتکب شکنجه می‌شوند را بایستی تحت تعقیب قرار دهند و فرهنگ جلوگیری از شکنجه را جزء برنام ه‌های خود قرار دهند و به آن پایبند باشند. بر همین اساس، یعنی اطلاق قاعده منع شکنجه است که به درستی استدلال می‌شود، دلایلی مانند امنیت داخلی، مبارزه با تروریسم و یا حفظ مصالح یا نظام حکومتی، به کارگیری شکنجه یا رفتارهای موهن و خشن را مجاز نمی‌سازد(اردبیلی، ۱۳۹٦: ۱۳٦-۱۳۷).

٤-اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸

به موجب مادۀ ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، شکنجه از جمله جرائم علیه بشریت قلمداد و تعریف شده است. همچنین شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی به عنوان اقدام علیه اشخاص و نقض فاحش حقوق افراد شناسایی و مورد حمایت قرار گرفته است. در اساسنامه دیوان نیز از حق منع شکنجه به عنوان یک حق مطلق یاد گردیده و هرگونه تحمیل عمدی درد و رنج شدید جسمی یا روحی بر شخص در حال توقیف یا تحت کنترل با هر انگیزهای منع شده است. یکی از مباحث واجد اهمیت، شکنجه حین اجرای مجازات است که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص شکنجه نسبت به مجازاتهای بدنی و امثال آن هیچگونه تصریحی ننموده است، بلکه از ماده ۷ آن عدم مشمول استنباط می‌شود لیکن در برخی اسناد از جمله اصلاحیه سازمان ملل در خصوص حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیرانسانی و موهن نهم دسامبر ۱۹۷۵ به روشنی گویای شکنجه نسبت به مجازاتهاست(شمس ناتری،۱۳۸۵: ۷۱).

نتیجه گیری

غالب فقهاء، حکومت اسلامی را در صورتی که حفظ آن اقتضاء شکنجه را داشته باشد از اعمال این رفتار ایذائی و موهن ممنوع می‌دانند و مأمورین حکومتی را به کشف جرم از طرق مشروع مکلف می‌نمایند که این نشانۀ تعالی و اوج ترقی فقه امامیه در این زمینه است. یکی از مهمترین حقوق پذیرفته شده در اسناد بین‌المللی که توسط ملل مختلف نیز مورد قبول واقع شده، ممنوعیت شکنجه است. به نحوی که صاحبنظران آنرا به عنوان یک دستاورد مهم در حوزه حقوق بین‌الملل معرفی می‌نمایند. در این اسناد کشورها حتی در مواقع جنگ و مواجه با بحرانهای جدی و مبارزه با تروریسم از اعمال شکنجه ممنوع بوده و قاعدۀ منع شکنه بهعنوان یک اصل تعلیق ناپذر و مطلق مورد پذیرش قرار گرفته است. رویکرد اسناد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بین‌المللی بدین سمت است که کلیه اعمال شکنجه آمیز به عنوان جنایت رسمیت یابد و امروزه اساساً شکنجه برای جامعه جهانی غیرقابل توجیه است و هیچ دفاعی از دولتها مبنی بر توجیه شکنجه پذیرفته نمی‌شود. دولت‌ها نه تنها نبایستی توجیه کننده شکنجه باشند بلکه کسانی که مرتکب شکنجه می‌شوند را بایستی تحت تعقیب قراردهند و فرهنگ جلوگیری از شکنجه را جزء برنام ه‌های خود قرار دهند و به آن پایبند باشند. در حقوق موضوعهٔ داخلی اصل ۳۸ قانون اساسی به عنوان مهمترین سند قانونی در این زمینه، حق شکنجه نشدن را رسمیت بخشیده است و از جملهٔ اصول مترقی قانون اساسی و مبتنی بر حقوق اسلام و همگام با اسناد بین‌المللی است. مفاد این اصل حقوقی و پیشینهٔ وضع آن خصوصاً مشروح مذاکرات مجلس قانون اساسی حاکی از مطلق بودن، بنیادی بودن و تعلیق ناپذیری اصل یاد شده است. در قوانین عادی قانون مجازات اسلامی تنها شکنجهٔ بدنی توسط مأمورین به منظور اخذ اقرار را جرم می‌داند فلذا همهٔ اقسام شکنجه و آنچه که مورد نظر قانون اساسی است را در بر نمی‌گیرد.

منابع

- ابراهیمی، محمد.(۱۳۸۹). تبیین موضوعی، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی در نظام بین‌المللی بشر، تهران: خرسندی.
- اردبیلی، محمدعلی.(۱۳۸۸). شخصیت شکنجه گر، تهران: بانک مقالات حقوقی دادگستری.
- اردبیلی، محمدعلی.(۱۳۹٦). حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران: میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر.(۱۳۹٤). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- حبیب زاده، توکل.(۱۳۸٦). حقوق بین‌المللی بشردوستانه و مبارزه با تروریسم، معارف اسلامی و حقوق، شماره ۱.
- حیدری پوری، مریم و همکاران.(۱۳۹۹). بررسی ضمانتهای منع شکنجه در اسناد بین‌المللی بشر، قوانین و مقررات ایران، پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۵.
- دهخدا، علی اکبر.(۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا، جلد نهم، تهران: دانشگاه تهران.
- رنجبریان، امیرحسین.(۱۳۸٤). قاعده منع شکنجه در حقوق بین‌الملل معاصر، مجله دانشگاه تهران، شماره۷۰.
- شکری، رضا و قادر، سیرورس.(۱۳۹۰). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مهاجر.
- شمس ناتری، محمدابراهیم.(۱۳۸۵). جایگاه منع شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، دو فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۲.
- صادقی، محمدهادی.(۱۳۸۰). ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام. مجله دانشگاه شیراز، شماره۳۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

- عمید، حسن.(۱۳٦۳). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- گلدوزیان، ایرج.(۱۳۹۸). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.
- ملکی، یدالله.(۱۳۹۵). مبانی قرآنی و تحلیل فقهی منع شکنجه با مطالعه اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و تاریخ تمدّن، شماره ٤٧.
- مهاجری، علی.(۱۳۸۹). جرائم خاص کارکنان دولت، تهران: کیهان.
- وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا.(۱۳۸۳). قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران: مجد.
- هاشمی، محمد.(۱۳۹٤). حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران: میزان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۳۹، دوره اول، سال پنجم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۳-۸۰

The right to immunity from torture and degrading treatment in Iranian criminal law and international instruments and conventions

Dr. Seyed Abbas Jazaiery[1]

Hosein Taheri Ardeli[2]

Abstract

The purpose of this study is to investigate the right to immunity from torture and degrading treatment in Iranian criminal law and to explain the views of international documents and conventions in this regard. Among the inhumane acts taken to obtain a confession or information by the accused at various stages of the proceedings is his mental and physical harassment, which is discussed in criminal law under the heading of torture. This behavior is strictly prohibited in Iranian criminal law, human rights instruments and conventions. Article 38 of the Iranian constitution prohibits torture in its mental and physical dimensions. International instruments and conventions also prohibit torture in obtaining confessions and information. This criminalization guarantees the human right to immunity from torture and degrading treatment. The findings of the study indicate that the right to immunity from torture and degrading treatment is recognized in Iranian criminal law and international instruments and conventions, and guarantees have been obtained for the implementation of this right.

Keywords: Immunity, Torture, Iranian criminal law, Documents, International Convention.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[1] Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

[2] PhD Student in Criminal Law and Criminology, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran